

**بازخوانی تحلیلی ساختار و کارکرد نظام سیاسی اسلام با تاکید بر خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه  
(براساس نظریه نظام‌های اجتماعی)**

منصوره یوسفی\* / نجف لک زایی\*\* / محمد علی وطن دوست حقیقی مرند\*\*\*  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

**چکیده:**

همه نظام‌های سیاسی از دو بخش ساختاری و کارکردی تشکیل شده‌اند. به طور کلی هشت محور را می‌توان ذیل این دو بخش تعریف نمود. در بخش ساختاری «ضرورت‌ها و اهداف، عناصر نظام سیاسی، مرزهای سیاسی و شبکه قدرت» و در بخش کارکردی «مرکز تصمیم‌گیری، قلمرو اختیارات، جریان یا فرآیند قدرت و بازخوردها» جای می‌گیرند. خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه که در یکی از بحرانی‌ترین شرایط سیاسی حکومت عثمان توسط امیرالمؤمنین علی علیه السلام ایراد شده است، همه هشت محور یادشده را رد برگرفته است و می‌تواند نمونه‌ای از دیدگاه اسلام درباره ساختار و کارکرد یک نظام سیاسی مطلوب را ارائه دهد. در جستار حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی ساختار و کارکرد نظام سیاسی اسلام با تاکید بر خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه مورد بازخوانی قرار گرفته است. در پایان این نتیجه به دست آمده است که خطبه یادشده، نظریه محورهای هشت گانه نظام سیاسی در دو بخش ساختاری و کارکردی را تأیید می‌نماید. البته این محورها گاه به تفصیل و گاه به اشاره در خطبه ۱۶۴ مورد تاکید امام علی علیه السلام قرار گرفته‌اند.

**واژگان کلیدی**

نظام سیاسی، ساختار، کارکرد، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴.

[soore1365@yahoo.com](mailto:soore1365@yahoo.com)

[najaf\\_lakzaee@yahoo.com](mailto:najaf_lakzaee@yahoo.com)

[ma.vatandoost@um.ac.ir](mailto:ma.vatandoost@um.ac.ir)

\*. دانشجوی دکترا دانشگاه قرآن و حدیث قم.

\*\* . استاد دانشگاه باقر العلوم قم.

\*\*\* . استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

## مقدمه

هر نظام سیاسی، مبانی و ساختار مستقل خود را دارد که این مبانی و ساختار، اهداف و وظایف و کارکردهای آن نظام را نیز تعریف و تعیین می‌نماید. نظام سیاسی اسلام نیز مانند همه نظام‌های سیاسی، شامل دو بخش ساختاری و کارکردی است و همه عناصر این نظام ذیل این دو بخش تعریف می‌گردند. تنها تفاوت نظام سیاسی اسلام با سایر نظام‌ها در تعاریف و نگرش‌هایی است که ذیل این عناوین ارائه می‌گردد.

این تعاریف و نگرش‌ها را می‌توان هم با استناد به آیات قرآن و هم احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام به دست آورد. یکی از پرسش‌هایی که هر پژوهشگر نظام سیاسی ممکن است با آن روبه‌رو شود این است که آیا در نهج البلاغه نیز طرح یا نظریه‌ای در مورد نظام سیاسی و ساختار و کارکرد آن وجود دارد؟

حکومت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در دوره کوتاه چهار سال و چندماهه خود توانست مدلی منحصر به فرد از نظام سیاسی مطلوب اسلام ارائه کند که بخشی از این مدل از طریق کتاب شریف نهج البلاغه در قالب سخنان و سیره حضرت قابل دستیابی است. از آنجا که مباحث مربوط به نظام سیاسی در نهج البلاغه بخش گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند در جستار حاضر تلاش شده است تا ساختار و کارکرد نظام سیاسی تنها در خطبه ۱۶۴ مورد بازخوانی و تحلیل قرار گیرد. پرننگ‌تر بودن محور «بازخورد مردم» در این خطبه باندازه‌ای است که شاید بتوان آن را «خطبه بازخورد» نیز نامید ولی اشاره به محورهای دیگر مانند نقش واسطه‌گری حضرت میان مردم و حکومت بعنوان یک عنصر اقتضایی، تاکید بر وظیفه حکومت اسلامی برای دخالت در بخش فرهنگ و تعیین مرز جغرافیایی برای برخی عملکردهای دولت، نشان از مهم‌ترین تأکیدات امام علی علیه‌السلام در بحث ساختار و کارکرد نظام سیاسی در خطبه مذکور دارد. شایان ذکر است که استخراج نظریه نظام سیاسی در نهج البلاغه از این خطبه برای نخستین بار انجام شده است.

هنگامی که در یک کشور نظام اسلامی شکل بگیرد و در پرتو آن امکان دستیابی به دولت اسلامی یعنی تشکیلات مدیریتی اسلامی فراهم شود، دستیابی به جامعه اسلامی نیز امکانپذیر خواهد شد که تشکیل جامعه اسلامی، خود سرآغاز رسیدن به تمدن اسلامی به معنای حقیقی آن



است. (مقام معظم رهبری، دیدار طلاب حوزه های علمیه استان تهران، ۹۶/۶/۶) مقام معظم رهبری علیه السلام در مورد معیار دولت اسلامی نیز می‌فرمایند: «آنچه در مورد دولت اسلامی و حکومت اسلامی بایستی بطور دائم در نظر داشت این است که باید حکومت علوی را معیار خود قرار دهیم و خود را با آن بسنجیم و هر قدری که بین ما و آن حکومت فاصله است را عقب ماندگی بحساب بیاوریم.» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۹۷/۶/۷) بنابراین مبنا قراردادن دیدگاه‌ها و عملکرد امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در مورد نظام سیاسی کاملاً موجه و قابل اعتماد است.

اینک که به بیان اهمیت و ضرورت این مسئله پرداختیم خاطر نشان می‌سازیم که مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش خواهد بود که با نگاه به خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه چه بخش‌های ساختاری و کارکردی برای نظام سیاسی مدنظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام قابل تعریف خواهند بود؟ پژوهش حاضر نیز به‌عنوان یک پژوهش بین‌رشته‌ای تلاش خواهد نمود تا با تحلیل فرازهای خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه عناصر نظام سیاسی در بخش‌های ساختاری و کارکردی را با روش توصیفی تحلیلی و استنباطی تبیین نماید.

#### ۱. پیشینه پژوهش

از میان نخستین منابعی که به‌طور منسجم به بحث حکومت و سیاست در اسلام پرداخت شاید بتوان از آثار شهید مطهری مانند «اسلام و مقتضیات زمان» و «امامت و رهبری» و «پیرامون انقلاب اسلامی» نام برد. در این آثار مباحثی مانند ضرورت حکومت، مشروعیت و انتخاب و انتصاب با تأکید بر منابع اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و استاد مطهری در این آثار گاهی به‌طور پراکنده به فرازهایی از نهج البلاغه نیز اشاراتی داشته‌اند. ولی از جمله منابعی که به‌طور تخصصی بحث نظام سیاسی را در نهج البلاغه پیگیری کرده‌اند می‌توان به دو اثر زیر اشاره کرد:

- آشتیانی، محمد (۱۳۸۴ ش) ساختار و کارکرد حکومت از دیدگاه نهج البلاغه. این کتاب به مسئله حکومت در نهج البلاغه در دو بخش ساختاری و کارکردی نگاهی جامعه‌شناسانه دارد و می‌توان آن را برگرفته از کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» نوشته داوود فیرحی دانست که



بخش‌های آن کتاب را با تمرکز بر نهج البلاغه بازنویسی کرده است. بنابراین به تحلیل متن اصلی نهج البلاغه آن‌چنان‌که شایسته است پرداخته نشده است.

- نبی لو، عظیم اله (۱۳۹۷ش) نظام سیاسی در نهج البلاغه. این رساله دکتری اندیشه‌های سیاسی علوی را در قالبی نظام‌مند در دو بخش ساختاری و کارکردی تدوین نموده است. محقق با نگرش سیستمی به رمزگشایی از الگوی نظام سیاسی مد نظر امام‌علی علیه السلام با بررسی کلیات نهج البلاغه پرداخته است. که تفاوت مقاله حاضر با این رساله در آن است که مقاله حاضر تنها به بررسی یک بخش از نهج البلاغه بطور جزء پرداخته و با آوردن مصداق‌های تاریخی آن در زمان حیات خود حضرت، اولاً به فهم و تثبیت بیشتر این مولفه‌ها کمک نموده است و ثانیاً چون خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه در یکی از بحرانی‌ترین شرایط سیاسی جامعه اسلامی ایراد شده است که میان مردم و حاکمیت تنش‌های عمیقی ایجاد شده بود تحلیل سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در چنین شرایطی می‌تواند راهکاری برای پیشگیری و یا مواجهه با چالش‌های پیش روی حکومت در بحران‌های این چنینی باشد.

مقالات متعددی نیز که در سال‌های اخیر در باب مباحث سیاسی در نهج البلاغه نگاشته شده است نشان از رویکرد جدید پژوهشگران علوم سیاسی به منابع درون دینی و بالأخص کتاب شریف نهج البلاغه دارد. از جمله این مقالات می‌توان به مقاله «امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه»، اسماعیل خان احمدی (مجله آفاق امنیت/۱۳۹۱)، «شبهه قدرت در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی در نهج البلاغه»، عظیم اله نبی لو (مجله علوم سیاسی/۱۳۹۱)، «رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی از دید نهج البلاغه»، اسماعیل خان احمدی (مجله مدیریت و پژوهش‌های دفاعی/۱۳۹۷) اشاره کرد که هرکدام کوشیده‌اند مؤلفه‌های سیاسی کتاب شریف نهج البلاغه را استخراج نمایند. ولی در هیچ‌کدام از آن‌ها به صورت ویژه از ساختار و کارکرد نظام سیاسی در نهج البلاغه سخن به میان نیامده است. تنها در مقاله بازکاوی سیاست علوی، روایتی نظام‌مند از آراء سیاسی امام‌علی علیه السلام نوشته زهرا ملک شاهی و دیگران (۱۳۹۳) کوشیده‌اند تا سیاست‌های امام‌علی علیه السلام را به صورتی نظام‌مند دسته‌بندی نموده و بنابراین آن‌ها را در ۶ گروه: غایت و هدف سیاسی، خودشناسی و مرزبندی حاکمیت سیاسی، دانش و آیین سیاست، قدرت و



اقتدار سیاسی، ساختار سیاسی و پیشرفت و توسعه سیاسی جای داده است. که این دسته‌بندی نیز با دسته‌بندی مقاله حاضر به‌طور کلی متفاوت است. افزون بر آن، پژوهش حاضر سعی دارد تا این مبحث را تنها در خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه محدود نموده و دسته‌بندی جدیدی ارائه نماید.

## ۲. تبیین نظریه نظام‌های اجتماعی

یکی از نظریه‌هایی که در منابع مربوط به علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح است «نظریه نظام‌های اجتماعی» است.

واژه "System" که به‌نظام ترجمه شده است به مجموعه‌ای از واحدها یا عناصر مرتبط به هم اشاره دارد که به‌منظور تأمین اهداف از پیش تعیین شده در ارتباط و تعامل با یکدیگر فعالیت می‌کنند. (توکلی، ۱۳۸۳ ش: ۴۸) و جامعه به دلیل مناسبات یا بستگی‌ها و روابط متقابل اجتماعی بین سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که نظام نام گرفته است.

نظریه نظام‌های اجتماعی معتقد است که با طراحی سیستمی یکپارچه و بهم پیوسته می‌توان مسئولان جامعه را در مدیریت بهتر یاری نمود زیرا با این نگرش می‌توان نگاهی کلی نگر و جامع به موضوعات مشخص داشت و از نگاه جزیره‌ای و آسیب‌های آن در امان ماند. (ر.ک به: محمدی، ۱۳۸۹ ش: ۴۲-۱۰۸)

با توجه به این نظریه می‌توان برای جامعه نظام‌های متعددی را مانند نظام اداری، نظام تعلیم و تربیت، نظام اقتصادی و... در نظر گرفت که نظام سیاسی یکی از این نظام‌ها می‌باشد.

مقصود از نظام سیاسی، دولت و حکومت به معنای عام است. دولت بمعنای عام، سازمان قدرت شمرده می‌شود. این سازمان از افراد (حاکمان و رهبران) و نهادها تشکیل شده است. (لک زایی، ۱۳۸۷ ش: ۱۳۰-۱۳۱) آستین رنی در تعریف دولت آورده است:

«دولت مجموعه‌ای از افراد و نهادهاست که قوانین فائقه در یک جامعه را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارند، اجرا می‌کنند.» (آستین رنی، ۱۳۷۴ ش: ص ۱۳)

همچنین نظام سیاسی در بخش ساختاری از «ضرورت‌ها و اهداف، عناصر نظام سیاسی، مرزهای سیاسی و شبکه قدرت» و در بخش کارکردی از «مرکز تصمیم‌گیری، قلمرو اختیارات، جریان یا فرآیند قدرت و بازخوردها» تشکیل می‌شود.



منظور از «عناصر نظام سیاسی» افرادی هستند که حکومت را تشکیل می‌دهند که به نوبه خود به دو بخش «عناصر کلیدی» و «عناصر اقتضایی» تقسیم می‌شود. این بدان معناست که در یک نظام سیاسی چه افرادی نقش‌های اصلی را بر عهده دارند و چه کسانی بنابر شرایط و اقتضائات ممکن است نقش‌ها و مسئولیت‌هایی را بپذیرند.

«مرزهای سیاسی» نیز براساس نظریه‌های مختلف مصادیق گوناگونی دارند. گاهی مرزهای جغرافیایی و گاهی مرزهای نژادی، عقیدتی و غیره می‌توانند انواع مرزها را در یک نظام سیاسی تشکیل دهند و بستگی دارد که طبق بینش‌ها و نگرش‌ها، یک حکومت در پیاده کردن سیاست‌های خود کدام مرزها را ملاک و معیار قرار دهد.

مراد از «شبکه قدرت» نیز قشرهای گوناگون جامعه است که در شکل‌گیری قدرت سیاسی یک دولت سهیم‌اند. (نبی‌لو، ۱۳۹۹، ش: ۸۳) برخی نیز بر این باورند که «شبکه قدرت» در هر نظام سیاسی اصطلاحی است که وضعیت سه گروه رفتاری فعالان، حامیان منفعل و بی‌طرف‌ها را در درون نظام‌های سیاسی توضیح می‌دهد. (فیرحی، ۱۳۹۱، ش: ۲۲۲)

در بخش کارکردی نیز بخش‌های زیر مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرند:

«مرکز تصمیم‌گیری» که در حوزه فلسفه سیاسی به فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که دارای مشروعیت سیاسی است. در این بخش به این موضوع پرداخته می‌شود که اصولاً در بحران‌ها و اختلافات در یک نظام سیاسی چه کسی فصل‌الخطاب است؟ نقش مردم در حکومت چیست؟ و غیره مراد از «قلمرو دخالت دولت» این است که شبکه قدرت تا چه اندازه و در کدام بخش می‌تواند در امور مربوط به شهروندان دخالت کند. آیا دخالت دولت محدود به حریم عمومی است و یا حریم خصوصی را نیز دربرمی‌گیرد؟

اصطلاح «جریان یا فرآیند قدرت» نیز در قالب روابط میان دولت‌ها و مردم تعریف می‌شود و حقوق و تکالیف شبکه قدرت و شهروندان نسبت به یکدیگر را تعیین می‌کند.

منظور از «بازخورد مردم» نیز واکنش شهروندان نسبت به حکومت است که یا به صورت خشنودی و بازخورد مثبت یا ناخشنودی و بازخورد منفی، جلوه‌گر می‌شود.

در ادامه پژوهش براساس نظریه نظام‌های اجتماعی، خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه درباره ساختار و کارکرد نظام سیاسی، مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۱-۲ . ساختار نظام سیاسی

با نگاهی تک گزاره های ساختار نظام سیاسی در خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه می توان به یک نظام واره دست یافت که در ادامه به تبیین آن می پردازیم:

### ۱-۱-۲ . ضرورت ها و اهداف

در بحث ضرورت و اهداف تاسیس حکومت اسلامی نیز به این موضوع پرداخته می شود که فقدان حکومت اسلامی سبب می شود چه اموری بر زمین بماند و اینکه بطور کل هدف از تشکیل یک حکومت اسلامی چیست و بناست چه نیازهایی تامین شود. در فرازی از این خطبه امام علی علیه السلام به ویژگی های یک حاکم مطلوب اشاره نموده و حاکمان نامطلوب را نیز توصیف می نمایند به برخی از این ضرورت ها و اهداف اشاره ای دارند:

«بدان، برترین بندگان نزد خدا پیشوای عادل است که خود، هدایت شده و دیگران را هدایت می کند. سنت های شناخته شده را بر پا می دارد و بدعت های ناشناخته را می میراند. چرا که سنت ها روشن و نورانی اند و نشانه های مشخص دارند و بدعت ها آشکارند و علامت هایی دارند، (و نا آشنا بودن بدعت ها دلیل روشنی بر عدم مشروعیت آن هاست) بدترین مردم نزد خداوند پیشوای ستمگری است که هم خود، گمراه است و هم مردم به وسیله او گمراه می شوند، کسی که سنت های مقبول را از میان برده و بدعت های متروک را زنده کرده است، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: روز قیامت، پیشوای ستمگر را حاضر می کنند. در حالی که نه یآوری با اوست و نه عذرخواهی، سپس او را در آتش دوزخ می افکنند و همچون سنگ آسیا در آن، به گردش در می آید (و همگان رسوایی او را می بینند) آن گاه او را در قعر دوزخ به زنجیر می کشند.»

در یک نظام اسلامی امنیت که از ضرورت های تأسیس هر حکومتی است فقط از طریق عدالت برقرار می شود و این ویژگی مختص حکومت اسلامی است. زیرا حکومت اسلامی امنیت را بر اساس دین تعریف می کند و بنابراین آن را علاوه بر دنیا، به آخرت نیز تسری می دهد و این همان ضرورت تأسیس حکومت اسلامیست. بعلاوه در این بخش ضمن تبیین وظایف و اهداف حکومت اسلامی، تلاش برای اجرای آنچه خداوند فرمان داده است از وظایف اصلی حکومت اسلامی به شمار آمده است. در ابتدای نامه ۵۳ نهج البلاغه و در فرمان نامه معروف حضرت به مالک اشتر، این



ضرورت با صراحت بیشتری مطرح شده است: «حِينَ وَلاَهُ مِصْرَ حَبَايَةَ خَرَجَهَا وَ جِهَادَ عَدُوَّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ اَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا؛ وی را زمامدار و والی کشور مصر قرار داد تا: مالیات‌های آن سرزمین را جمع آوری کند، با دشمنان آن کشور بجنگد، باصلاح اهل آن همت گمارد و به عمران و آبادی شهرها قصبات و روستاها و قریه های آن پردازد.» تامین امنیت با عبارت «جِهَادَ عَدُوَّهَا» بعنوان اصلی ترین ضرورت تشکیل یک حکومت و سپس اشاره به سه اصل دیگر: توسعه اقتصادی «جبايه خراجها»، آموزش شهروندان «واستصلاح اهلها» و ایجاد عمران و آبادانی «عمارها بلادها» بعنوان ابزارهای تامین امنیت، از ضرورت های تاسیس یک حکومت از منظر امام علی علیه السلام می باشد.

## ۲-۱-۲ عناصر نظام سیاسی

همه نهادها از عناصری تشکیل شده‌اند و نظام سیاسی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در بخشی که ذکر شد بجز بحث ضرورت واهداف حکومت به عدالت، هدایت شده و هادی بودن، پیاداشتن سنت‌های صحیح و از میان بردن بدعت‌های باطل و پرهیز از گمراه کردن مردم اشاره شده بود که همه اینها از ویژگی‌های خاصی است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای یک پیشوا و حاکم مطلوب نظام سیاسی اسلام بر می‌شمارند. این نوع حاکم، همان عنصر کلیدی در نظام سیاسی اسلام، یعنی رهبری الهی است.

نکته قابل توجه دیگری که در این خطبه می‌تواند مورد تحلیل قرار بگیرد، رونمایی از یک عنصر اقتضایی در نظام سیاسی تحت عنوان «میانجی» است، هنگامی که مردم از امام علیه السلام درخواست می‌کنند تا بعنوان یک واسطه میان آنها و حکومت قرار بگیرد. برای روشن شدن این موضوع لازم است به شرایط و اوضاعی که سبب گفتگوی امام علیه السلام با عثمان در خطبه ۱۶۴ شده است اشاره‌ای داشته باشیم.

در زمانی که ظلم و ستم حکومت عثمان به نهایت خود رسیده بود و مردم شدیداً از این اوضاع به تنگ آمده بودند گروهی خدمت امام علی علیه السلام آمدند و برای پایان دادن به وضع موجود از طریق مسالمت آمیز از آن حضرت خواستند که در جایگاه نماینده و سفیر مردم با عثمان سخن بگوید و اتمام حجت کند. امام علیه السلام سخنان مزبور را ایراد کرد و آن چه برای انصراف عثمان و اطرافیان او از ظلم و ستم بر مردم لازم بود به او فرمود. (مکارم شیرازی، ج ۶، ۱۳۹۵ ش: ۳۳۹-۳۳۱)



طبری درباره علت نارضایتی مردم از عثمان چنین می‌نویسد: «هنگامی که مردم، اعمال عثمان را دیدند (منظور حیف و میل عظیم در بیت المال و سپردن مقام‌های کلیدی حکومت اسلامی به دست ناهلان و ظالمان و ستمگران) جمعی از اصحاب پیامبر ﷺ که در مدینه بودند، نامه‌ای به لشکریان اسلام که در مرزها پراکنده شده بودند نوشتند که مضمونش چنین بود: «شما برای جهاد در راه خداوند متعال و عظمت دین محمد خارج شدید، ولی بدانید آیین محمد را کسی که در این جاست خراب کرده، بیاید و آیین او را نجات دهید». سربازان از هر سو به مدینه آمدند (به ویژه گروه عظیمی از مصریان که مورد ظلم و ستم عمّال خلیفه قرار گرفته بودند در مدینه حاضر شدند و بعد از حوادث زیادی) سرانجام عثمان به دست مردم کشته شد.» (طبری، ج ۳، ۱۳۸۷ ق: ۴۰۱-۴۰۰)

مرحوم سید رضی در ابتدای این خطبه با اشاره‌ای به این ماجرا چنین مرقوم داشته‌اند: «و مِنْ كَلَامٍ لَهُ ﷺ لَمَّا اجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ شَكُوا مَا نَقَمُوهُ عَلَى عِثْمَانَ وَ سَأَلُوهُ مَخَاطِبَتَهُ لَهُمْ وَ اسْتِعْتَابَهُ لَهُمْ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ...؛ از سخنان امام ﷺ است در آن هنگام که مردم نزد او جمع شدند و از عثمان شکایت کردند و از آن حضرت خواستند که با عثمان در این زمینه صحبت کند (و از او بخواهد از خطاها و اشتباهاتش دست بردارد) امام ﷺ بر عثمان وارد شد و سخنان زیر را ایراد فرمود.»

دو واژه‌ی «مخاطبته» و «استعتابه» نشان می‌دهد که در خواست مردم در این میانجی‌گری این بود که ایشان از طرف آنان با عثمان وارد گفتگو شود و بخواهد که رضایت مردم را جلب کند. (استعتاب: درخواست رضایت نمودن)

این درخواست در عبارت‌های اولیه خود امام ﷺ در این خطبه خطاب به عثمان نیز مشهود است: «إِنَّ النَّاسَ وَرَائِي وَ قَدْ اسْتَسْفَرُونِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ؛ مردم، به سراغ من آمده‌اند و مرا میان خود و تو سفیر قرار داده‌اند.»

«استفسرونی» از ماده «سفارت» گرفته شده و «سفیر» به کسی می‌گویند که میان دو کس یا کشور واسطه پیام‌رسانی باشد. در نظام سیاسی اسلام، تنها عنصر کلیدی رهبری است و بقیه‌ی عناصر اقتضایی‌اند. در حکومت نبوی تنها عنصر کلیدی خود پیامبر ﷺ است و در حکومت امام معصوم ﷺ تنها عنصر کلیدی خود امام معصوم ﷺ است. بنابراین سایر عناصر به صورت عرفی و تجربی می‌توانند وجود داشته باشند و یا وجود نداشته باشند. زیرا اساساً دین سازوکارهای



حکومت را مشخص نمی‌کند. بلکه با ایجاد بستر هدایت، از گرفتار شدن در دام ظلم جلوگیری می‌نماید. بنابراین تعیین سازوکارها و سایر عناصر، اقتضایی و تجربی است و بر عهده‌ی متدینین است که تحت رهبری رهبر، پست‌ها را تعیین و مسائل را حل و فصل کنند. (لک زایی، ۱۳۸۷ ش: ۵۳) چنان که در این خطبه می‌بینیم مردم، امام علیه السلام را به اقتضای شرایط بعنوان واسطه و سفیر خود در مذاکره با حاکم برگزیدند. اگرچه دور نگه داشتن ایشان از حکومت بعنوان رهبر الهی، توسط همین مردم، محل سؤال و اشکال است. این نکته که این عنصر اقتضایی می‌تواند شخص نباشد و حتی یک نهاد، مراجع عظام تقلید و یا معتمدین چنین نقشی را ایفا کنند نیز از موضوعات قابل تأمل است که به فراخور زمان و مکان قابل جایگزینی است.

### ۲-۱-۳ مرزهای نظام سیاسی

در پایان خطبه هنگامی که عثمان از امام علیه السلام خواست تا از مردم بخواهد تا به او مهلت بدهند امام علیه السلام در پاسخ عثمان با تدبیر و سیاست خاصی فرمود: «مَا كَانَ بِالْمَدِينَةِ فَلَا أَجَلَ فِيهِ، وَ مَا غَابَ فَأَجَلُهُ وَ صَوْلُ أَمْرِكَ إِلَيْهِ؛ آن چه مربوط به مدینه است مهلتی در آن نیست و آن چه مربوط به بیرون مدینه است مهلتش رسیدن دستور تو به آن‌هاست.» در این فراز امام علیه السلام مرزهای جغرافیایی برای تصحیح عملکرد عثمان در نظر گرفته و مناطق تحت حاکمیت عثمان را به دو بخش پایتخت و غیر پایتخت تقسیم می‌کنند و سپس نسبت به هر کدام از این بخش‌ها تعیین تکلیف می‌نمایند. اگرچه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در نهج البلاغه اصالت با مرزهای ایمانی و عقیدتی است ولی مرزهای جغرافیایی نیز محترم شمرده می‌شود (ر. ک: نبی لو، ۱۳۹۸ ش).

علت این نوع پاسخ و مرزبندی توسط امیرالمؤمنین علیه السلام این بود که سیاست‌بازان حرفه‌ای هنگامی که در تنگناها قرار می‌گیرند برای فرار از زیر بار مسئولیت از طرف مقابل، مهلت می‌خواهند. به این امید که در این فرصت، آتش جوش و خروش او خاموش گردد یا بتوانند با یک ضربه کاری طرف را از میدان بیرون کنند. امام علیه السلام جلوی این کار را با گفتار پر معنای خود گرفت و عثمان را وادار به تسلیم کرد. (مکارم شیرازی، ج ۶: ۳۵۲) و این یعنی میانجی و واسطه باید زیرک بوده و منافع هر دو طرف را در نظر بگیرد و بخصوص فریب وعده‌های واهی قانون شکن را نخورد و برای برقراری صلح و سازش هر شرط و وعده‌ای را نپذیرد.



در تاریخ آمده است که عثمان در مقابل این سخن تسلیم شد، ولی تقاضا کرد که در مورد مدینه فقط سه روز به او مهلت داده شود. امام علیه السلام فرمود: مانعی ندارد و از نزد عثمان بیرون آمد و به مردمی که در انتظارش بودند آن چه را گذشته بود خبر داد و قراردادی میان آن‌ها و عثمان مرقوم داشت که در آن عثمان سه روز مهلت داده شده بود تا حقوق پایمال شده را به جایگاه اصلیش برگرداند و فرماندارانی را که مورد نفرت مردم بوده‌اند، عزل کند. از او در این نامه عهد و پیمان بسیار محکمی گرفت و گروهی از مهاجران و انصار را گواه آن قرار داد. به دنبال آن، مردم دست از عثمان کشیدند و به سراغ کارشان رفتند به امیدی که به زودی به عهد و پیمان خود وفا کند. غافل از این که او می‌خواست در این سه روز آماده نبرد با مخالفان گردد و سلاح جمع آوری کند. او لشکر عظیمی از بردگان خمس (خمس غنایم) آماده ساخت. هنگامی که سه روز گذشت، دیدند همه چیز بر سر جای خود مانند سابق است و همین امر، باعث شورش شدید مردم بر ضد عثمان شد و به کشته شدن عثمان انجامید. (طبری، ج ۳، ۱۳۸۷ ق: ۴۰۴)

#### ۲-۱-۴ شبکه قدرت

چنان که پیشتر گفتیم در شبکه قدرت تمرکز بحث بر این است که سرشاخه‌های مدیریت سیاسی جامعه باید در اختیار چه کسانی و با چه ویژگی‌ها و امتیازاتی قرار گیرد؟ بدیهی است که شخصی که قدرت اجرایی و تسلط بر امور ندارد و نمی‌تواند از تخلفات و رانت خواری اطرافیان خود جلوگیری نماید، شایستگی حکومت بر مردم را ندارد حتی اگر داماد رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. از این جهت است که در بخش دیگری از این خطبه امام علیه السلام عثمان را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

« به خدا! نمی‌دانم چه چیز را برای تو بگویم؟ من مطلبی را که تو از آن بی اطلاع باشی (در مورد حقوق مردم) سراغ ندارم، و نمی‌توانم تو را به چیزی راهنمایی کنم که از آن آگاه نیستی (چرا که) آن چه را که ما (در این زمینه) می‌دانیم، می‌دانی و ما به چیزی سبقت نگرفته‌ایم که تو را از آن آگاه سازیم و مطلبی پنهانی نزد ما نیست که به تو ابلاغ کنیم. آن چه را ما (در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله) دیده‌ایم تو نیز دیده‌ای و آن چه را ما شنیده‌ایم همانند ما شنیده‌ای و همان گونه که ما با پیامبر صلی الله علیه و آله همنشین بودیم تو نیز همنشین بوده‌ای (علاوه بر این) فرزندی قحافه (ابوبکر) و پسر خطاب (عمر)



در اجرای اعمال نیک از تو سزاوارتر نبودند. چرا که تو به رسول خدا ﷺ از نظر پیوند خویشاوندی از آن دو نزدیک‌تری؛ تو به افتخار دامادی پیامبر ﷺ نائل شدی که آن‌ها نشدند. خدا را! خدا را! (ای عثمان) به جان خود رحم کن. چرا که به خدا سوگند! تو کور نیستی تا بینایت کنند و جاهل نیستی تا تعلیمت دهند. زیرا راه‌ها آشکارند و نشانه‌های دین بر پا و روشن! (از خدا بترس و به کار مردم رسیدگی کن).» ( نهج البلاغه ، خطبه ۱۶۴ )

این بخش از سخنان حضرت نشان دهنده این است که عثمان فرد نادان و بی اطلاعاتی نبود، بلکه در اداره امور ناتوان و منفعل بود. در بخشی از مکالمه حضرت با عثمان چنین آمده است:

«عثمان گفت: ای علی تو را به خدا سوگند می‌دهم مگر نمی‌دانی که مغیره بن شعبه حاکم کوفه بوده است. گفت: آری می‌دانم. عثمان گفت: آیا نمی‌دانی که عمر او را بر حکومت گماشته بود؟ گفت: آری. عثمان گفت: پس چرا مرا در مورد اینکه ابن عامر را با توجه به پیوند خویشاوندی و نزدیکی او به کار گماشته‌ام سرزنش می‌کنی؟ علی علیه السلام فرمود: عمر پای بر بیخ گوش و گردن کسی که او را به حکومت می‌گماشت می‌نهاد و اگر به او خبر می‌رسید که کاری ناپسند انجام داده است در مورد او سخت‌ترین عقوبت را معمول می‌داشت و تو این چنین نیستی، بلکه ناتوانی و نسبت به نزدیکان خود نرم و سستی.» (ابن ابی الحدید، ج ۴: ۳۳۷).

بی‌اعتنایی به تخلف زبردستان علیرغم آگاهی، ناتوانی از مجازات خاطیان، سپردن پست‌های مهم حکومتی به عناصری که تنها به علت رابطه و نه ضابطه به این امور گماشته می‌شدند و آگاهی به سرانجام دنیوی و اخروی این اعمال، از ویژگی‌هایی است که امام علیه السلام برای شخص عثمان بعنوان حاکم جامعه بر می‌شمرند. در بخش دیگری از این خطبه امام علیه السلام خطر راه‌یافتن مروان حکم (پسر عموی عثمان) را به مناصب حکومتی و شبکه‌ی قدرت گوشزد می‌نمایند و تأثیرگذاری او بر آراء و افکار و اعمال عثمان، آن‌هم در دورانی که عثمان فردی سالخورده و با تجربه محسوب می‌شد را عیب بزرگی می‌شمارند:

«لَا تَكُونَنَّ لِمَرْوَانَ سَيْقَةً يَسُوقُكَ حَيْثُ شَاءَ بَعْدَ جَلَالِ السَّنِّ وَ تَقْضِي الْعُمُرَ؛ مَبَادَا مَرْكَبِ رَاهَوَارِ مَرْوَانَ شَوِي (و زمام خود را به دست او بسپاری) تا تو را هر جا می‌خواهد ببرد. آن‌هم بعد از این سن و سال و گذراندن عمر (و تجربیات فراوان)»<sup>۱</sup>

۱. نهج البلاغه ، خطبه ۱۶۴



غالب مورخان سن عثمان را در آن زمان حدود ۸۲ سال می‌دانند (طبری، ج ۳: ۴۴۱ و ۴۴۳). امام علیه السلام با توجه دادن عثمان به سن و سالش او را از سر سپردن به اقدامات مروان برحذر می‌دارند. برخی از شارحان نهج البلاغه معتقدند که در حکومت عثمان کارها مطابق میل مروان پیش می‌رفت. بطوری که حتی زمانی که عثمان، نصایح امام علیه السلام را شنید و تصمیم بر عذرخواهی از مردم گرفت، مروان شدیداً به مخالفت برخاست و مانع جبران خطاهای او شد و در حقیقت، آتش خشم مردم را شعله ورتر ساخت و سبب قتل عثمان شد و چه بسا این کار حساب شده بود. به این امید که بعد از عثمان، معاویه یا خودش به خلافت برسد. (مکارم شیرازی، ج ۶، ۱۳۸۷ش: ۳۵۱)

از یک سو در محور شبکه قدرت یک عنصر ناشایست در پست‌های دولتی می‌تواند چنین تهدیداتی برای یک حکومت در پی داشته باشد و این همان چیزی است که امام علیه السلام عثمان را از آن تحذیر می‌دادند. از سویی بازخورد مردم به حضور یک مسئول ناشایست در بدنه حکومت نیز در این بخش مورد توجه است. تاجایی که می‌تواند سرنگونی آن حکومت را در پی داشته باشد. بنابراین با توجه به این ویژگی‌ها این بخش را می‌توان با محور شبکه قدرت در بخش ساختای مرتبط دانست.

#### ۲-۲ کارکرد نظام سیاسی

چنان که پیش تر گفته شد بخش‌های کارکردی یک حکومت عبارتند از: مرکز تصمیم‌گیری، قلمرو دخالت، جریان (فرآیند) قدرت و بازخورد مردم. در ادامه به بررسی این عناصر در خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه پرداخته‌ایم.

#### ۲-۲-۱ مرکز تصمیم‌گیری

پیش تر در قسمت ضرورت‌ها و اهداف بخشی از خطبه را آوردیم که به ویژگی‌های امام عادل و جائر اشاره شده بود:

«بدان، برترین بندگان نزد خدا پیشوای عادل است که خود، هدایت شده و دیگران را هدایت می‌کند. سنت‌های شناخته شده را بر پا می‌دارد و بدعت‌های ناشناخته را می‌میراند. چرا که سنت‌ها روشن و نورانی‌اند و نشانه‌های مشخص دارند و بدعت‌ها آشکارند و علامت‌هایی دارند، (و نا آشنا بودن بدعت‌ها دلیل روشنی بر عدم مشروعیت آن‌هاست) بدترین مردم نزد خداوند پیشوای ستمگری



است که هم خود، گمراه است و هم مردم به وسیله او گمراه می‌شوند، کسی که سنت‌های مقبول را از میان برده و بدعت‌های متروک را زنده کرده است.» ( نهج البلاغه ، خطبه ۱۶۴ )

به یک اعتبار امام عادل و جائر را می‌توان یکی از ارکان حاکمیت و نظام سیاسی دانست. در این صورت، نظام سیاسی که به بحث معنویات مردم توجه دارد و هدایت و رشد و جهان دیگر فرا روی آنها برای او اهمیت دارد، مصداق حکومت‌های متعالی است. حکومت‌هایی با سیاست متعالی که به لحاظ نظری مبتنی بر قرآن و سنت رسول ﷺ و عقبی نگری باشند و به لحاظ عملی مبتنی بر عدالت و پرهیز از ظلم اداره شوند. درست به عکس حکومت‌های متدانی که مبنا و کارکرد آنها فقط بر اساس دنیای مردم است. این مورد نیز با دلالت التزامی منطبق بر محور پنجم یعنی مرکز تصمیم‌گیری است و مؤلفه‌های مشروعیت یک نظام سیاسی را در بر دارد. اگرچه صراحتاً نمیتوان سایر مؤلفه‌های مرکز تصمیم‌گیری را از این بخش استخراج نمود ولی بررسی خطبه شقشقیه (خطبه ۳) نشان میدهد که از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فصل الخطاب و مرکز تصمیم‌گیری در یک نظام مشروع متعالی، رهبر الهی یا همان امام معصوم علیه السلام است:

«وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى؛ در حالی که خوب می‌دانست موقعیت من در مسأله خلافت همچون محور به سنگ آسیاب است»

#### ۲-۲-۲ قلمرو دخالت دولت

نکته قابل توجه دیگری که علاوه بر محورهای شبکه قدرت، عناصر حکومت، ضرورت تأسیس حکومت اسلامی و مرکز تصمیم‌گیری می‌توان از سخنان امیرمؤمنان ع درباره امام عادل و جائر استنباط کرد مربوط به قلمرو دخالت دولت است. هنگامی که امام علیه السلام ویژگی‌های امام عادل را بیان می‌کند او را هدایت یافته از طریق قرآن و وحی و عقل سلیمی معرفی می‌نماید که مردم را به راه راست و صراط مستقیم هدایت می‌کند و این نشان دهنده آن است که دخالت دولت در عرصه فرهنگ و طراحی برنامه‌های سازنده فرهنگی جهت آموزش شهروندان از مهم‌ترین وظایف حکومت و حاکم عادل می‌باشد.

حکومت و حاکم عادل باید برنامه ریزی دقیقی داشته باشد که سنت‌های حسنه به فراموشی سپرده نشود و پاکی و تقوا و آگاهی و تعاون بر نیکی‌ها و امر به معروف و نهی از منکر همچنان در صحن جامعه آشکار و مورد توجه باشد و به عکس، بدعت‌های زشت و خرافات و اختلافات و

کشمکش‌ها و خلاصه آن چه را پیغمبران الهی با زحمت‌های فراوان از بین امت‌های الهی برچیدند، دوباره زنده نشود. از همین روست که امام علیه السلام در حکمت ۳۳۲، حاکمان را پاسبانان الهی در زمین معرفی می‌کند و می‌فرماید: «السلطان ورعاً الله فی أرضه»

ویژگی‌های امام جائر نقطه مقابل امام عادل است. او هم خودش گمراه است و هم مردم را به گمراهی می‌کشاند، هم سنت‌های الهی را به فراموشی می‌سپارد و هم بدعت‌های فراموش شده را زنده می‌کند. روشن است که برنامه اجرا شده از سوی خلیفه سوّم در مورد تقسیم پست‌های حکومتی و توزیع بیت المال، منطبق بر ویژگی‌های امام جائر است. (مکارم شیرازی، ج ۶، ۱۳۹۵ ش: ۳۴۷)

سپس امام علیه السلام بار دیگر عثمان را به بازخورد منفی مردم نسبت به اقدامات او توجه داده و وی را از عواقب این اقدام در صورت ندادن پاسخ صحیح برحذر می‌دارند:

«من تو را به خدا سوگند می‌دهم نکند تو همان پیشوای مقتول این امت باشی! چرا که گفته می‌شد (پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: ) «در این امت، پیشوایی به قتل می‌رسد که بعد از آن درهای کشتار و جنگ به روی این امت تا قیامت گشوده خواهد شد!» امور این امت را بر آن‌ها مشتبه می‌کند. فتنه و فساد را در میان آنان گسترش می‌دهد. به گونه‌ای که حق را از باطل تمییز نمی‌دهند و به سختی در آن فتنه غوطه ور می‌شوند و به شدت درهم آمیخته و فاسد خواهند شد. «(نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴)

در هر سیستم همواره به منظور مهار قدرت و جلوگیری از سوء استفاده قدرتمندان و نیز برای کاستن از گرایش‌های خودمحورانه و خودخواهانه زمامداران، باید فضایی مطلوب جهت طرح انتقادات و اعتراضات معقول و منطقی فراهم آورد. از همین رو اگر در جامعه‌ای از انتقاد سازنده، جلوگیری شود، حکومت به دیکتاتوری کشیده شده و زمینه برای استبداد آماده می‌شود. (جهان بزرگی، ۱۳۸۱ ش: ۹۲) این همان خطری است که امام علیه السلام در مورد آن به عثمان هشدار می‌دهند و متأسفانه عثمان به سخنان ایشان ترتیب اثر نمی‌دهد و زمینه برای قتل او و فتنه انگیزی‌ها و بهره برداری‌های سیاسی بعدی فراهم می‌شود.

### ۲-۳-۲ جریان یا فرآیند قدرت

موضوع جریان یا فرآیند قدرت به روابط میان مردم و دولتمردان می‌پردازد. در این میان دولتمردان به عنوان یک قدرت سیاسی و مردم به عنوان یک قدرت اجتماعی حضور دارند. براساس



نقل سید رضی، پس از سخنان امام علی علیه السلام، عثمان سخت متأثر شد و به حضرت عرض کرد: «بامردم سخن بگو و از آنان بخواه به من مهلت دهند تا از حقوق (از دست رفته) آن‌ها رهایی یابم» (فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ: كَلِّمَ النَّاسَ فِي أَنْ يَوْجَلُونِي، حَتَّى أَخْرَجَ إِلَيْهِمْ مِنْ مَطَالِمِهِمْ) (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴)

این که بازخورد و واکنش مردم در قبال عملکرد ناشایست حاکمیت چنان اثرگذار بوده است که حتی قدرت تعیین ضرب الاجل نیز در دست آنها قرار گرفته بود جای تأمل دارد و حاکی از آن است که صاحبان اصلی یک نظام حقیقتاً مردم هستند و مسئولین آن نظام نقش خدمتگزاران آن‌ها را به عهده دارند و این همان موضوع قدرت اجتماعی است که در بحث فرآیند قدرت جای می‌گیرد. از طرفی هرگاه مردم واکنش نسبت به اقدامات مثبت و منفی دولت‌ها را تکلیف خود بدانند قطعاً از تأثیرات مثبت و اثرگذار آن بهره‌مند خواهند شد که این نیز همان نقش نظارت و ارزیابی مردم در فرآیند قدرت است.

با توجه به نقد پذیر بودن حکومت در نگاه دینی، انتقاد و اعتراض، از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم است و از منظر دینی تکلیف مؤمنان به منظور اصلاح و بهبود یافتن امور حکومت به شمار می‌رود. (محمدی، ۱۳۸۷ ش: شماره ۴۲). بنابراین می‌توان اقدامات اعتراضی مردم علیه عثمان را به جریان و فرآیند قدرت نیز ارتباط داد. از سویی یکی از سرمایه‌های اجتماعی هر نظام، رضایت مردمی است و هرچه این سرمایه عظیم‌تر گردد دولت‌ها از قوت بیشتری برخوردار می‌گردند و این نیز یکی از نقش‌های مردم در بحث فرآیند قدرت است.

#### ۲-۲-۴ بازخورد مردم به اعمال حکومت

اولین مقوله‌ای که در مورد خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه صراحتاً به چشم می‌خورد بحث بازخورد مردم و آنهم از نوع واکنش‌های منفی و نارضایتی است و شاید بتوان بطور کلی این خطبه را از نظر محورهای نظام سیاسی، «خطبه‌ی بازخورد مردم» نامید. بازخوردها مربوط به حوزه واکنش مردم به تصمیمات دولت یا همان نظام سیاسی می‌شود و در دو بخش مثبت و منفی این قابلیت را دارند که باعث برانگیختن و هدایت رفتارهای مؤثر و مثبت در افراد شوند و عملکردها را بهبود بخشند و از سوی دیگر مانعی برای بروز رفتارهای غیر مؤثر باشند. اینکه مردم بر علیه اقدامات خلاف عدالت عثمان به نشانه اعتراض تجمع می‌کنند، اینکه شکایت این گونه اقدامات ظالمانه را به نزد یکی از رجال سیاسی جامعه یعنی امام علی علیه السلام می‌برند و حتی این که با نامه نگاری سعی دارند تا مردم سایر

بلاد را از این مظالم آگاه کرده و آنها را نیز دعوت به واکنش نمایند همه نشان از هوشیاری مردم در استفاده از قابلیت‌های بازخورد دارد. وقتی مردم از زیستن در سایه حکومتی، بیش از آن که منتفع شوند، زیان ببینند؛ اعم از مادی و معنوی، طبعاً دست به واکنش می‌زنند و نتیجه آن، ممکن است پدیداری یکسری دگرگونی‌های ارادی در جامعه باشد. در این حالت، همه یا اغلب افراد جامعه، دارای هدف مشترکی می‌شوند و به قصد تحقق بخشیدن به آن، دست به اقدام و فعالیت همگانی می‌زنند که چه بسا از درون آن، نهضت اجتماعی سر برآورد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ش: ۳۴۳) چنان که می‌بینیم در شورش علیه عثمان رخدادها به این سو جهت پیدا کرد.

باتوجه به آنچه گفته شد می‌توان جدول کلی بحث را بشرح زیر ارائه نمود:

نوع دلالت	محورهای نظام سیاسی	فراز مربوطه از خطبه ۱۶۴
التزامی	۱- ضرورت تاسیس دولت	إِمَامٌ عَادِلٌ هُدًى وَ هَدًى، فَأَقَامَ سُنَّةً مَّعْلُومَةً وَ أَمَاتَ بِدْعَةً مَّجْهُولَةً
مطابقی مطابقی تضمنی	۲- عناصر نظام سیاسی: * رهبری (عنصر کلیدی) * امت و حاکمیت * میانجی (عنصر اقتضائی)	* فَأَعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ * وَ إِنِّي أَنشُدُكَ اللَّهَ أَلَّا تَكُونَ إِمَامَ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْمَقْتُولِ * وَ قَدْ اسْتَسْفَرُونِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ
مطابقی	۳- مرزهای نظام سیاسی	مَا كَانَ بِالْمَدِينَةِ فَلَا أَجَلَ فِيهِ، وَ مَا غَابَ فَأَجَلُهُ وَصُولُ أَمْرِكَ إِلَيْهِ
*تضمنی *مطابقی	۴- شبکه قدرت	* فَإِنَّكَ وَ اللَّهُ مَا تُبْصِرُ مِنْ عَمِّي وَ لَا تُعْلَمُ مِنْ جَهْلِ * لَا تَكُونَنَّ لِمَرْوَانَ سَيْفَةً يَسُوقُكَ حَيْثُ شَاءَ بَعْدَ جَلَالِ السَّنِّ وَ تَقْضِي الْعُمُرِ
التزامی	۵- مرکز تصمیم‌گیری	فَاعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ
مطابقی	۶- قلمرو دخالت دولت	* إِمَامٌ عَادِلٌ هُدًى وَ هَدًى، فَأَقَامَ سُنَّةً مَّعْلُومَةً وَ أَمَاتَ بِدْعَةً مَّجْهُولَةً * إِمَامٌ جَائِزٌ صَلَّى وَ صَلَّى بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةً مَأْخُودَةً وَ أَخِيَا بِدْعَةً مَتْرُوكَةً



تضمنی	۷- فرآیند قدرت (مردم: قدرت اجتماعی)	فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ كَلِمَ النَّاسِ فِي أَنْ يُؤْجَلُونِي حَتَّى أُخْرَجَ إِلَيْهِمْ مِنْ مَطَالِمِهِمْ
*مطابقی		*لما اجتمع الناس إليه و شكوا ما نقموه على عثمان و سألوه مخاطبته لهم و استعتابه لهم
*تضمنی	۸- بازخورد مردم	*وَإِنِّي أَنشُدُكَ اللَّهَ [أَنْ] أَلَا تَكُونُ إِمَامَ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْمُقْتُولِ
*مطابقی		*كَلِمَ النَّاسِ فِي أَنْ يُؤْجَلُونِي

### نتیجه گیری

گفتیم که نظام اسلامی نیز مانند هر سیستم از دو بخش ساختاری و کارکردی تشکیل شده است و دست یافتن به نگرش امام علی علیه السلام در مورد این بخش‌ها، ما را به یافتن شاکله نظام سیاسی اسلام رهنمون خواهد شد. بررسی خطبه ۱۶۴ نهج البلاغه نظریه محورهای هشت گانه‌ی نظام سیاسی در دوبرخ ساختاری و کارکردی را تأیید نمود. اگرچه همه‌ی محورها بطور کامل در این خطبه مورد اشاره قرار نگرفت ولی اغلب آنها گاه به تفصیل و گاه به اشاره مورد تأکید امام علی علیه السلام قرار گرفته‌اند.

در مورد محور اول یعنی ضرورت تأسیس دولت اسلامی: اگرچه صراحتاً در این خطبه نقلی وجود نداشت ولی تأکید امام بر حضور حاکم عادل که مصداق حاکمیت عادل است بطور غیر مستقیم این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که در حکومت اسلامی برقراری عدل بعنوان مقدمه‌ای برای تأمین امنیت دنیوی و اخروی، از ضرورت‌های تشکیل یک دولت اسلامی به شمار می‌رود.

در مورد محور دوم که همان عناصر نظام سیاسی است: در این خطبه هم به عنصر کلیدی رهبری الهی اشاره شده و امام عادل بعنوان برترین بندگان خدا معرفی می‌شود و هم به عنصر امت و حاکمیت در بخش نصیحت عثمان در پیشگیری از قتل اشاره شده و هم بطور مستقیم به نقش واسطه و میانجی‌گری امام علیه السلام بین مردم و حکومت با عبارت «استسفرونی» بعنوان یک عنصر اقتضایی اشاره شده است که این اشاره در کل کتاب شریف نهج البلاغه بسیار کم سابقه است.



در مورد مرزهای نظام سیاسی که سومین محور را در بخش ساختاری یک نظام سیاسی تشکیل می‌دهد: علیرغم اینکه پژوهش‌ها در نهج البلاغه حاکی از آن است که امام علیه السلام در یک نظام سیاسی اسلامی اصالت را با مرزهای ایمانی و اعتقادی می‌دانند ولی در جای خود نیز با تقسیم بندی محدوده فرمانروایی حکومت به دو بخش پایتخت و غیر پایتخت برای مهلت دادن به عثمان برای جبران مظالمی که بر مردم رفته این حقیقت را یادآور می‌شوند که مرزهای جغرافیایی نیز در جای خود مورد توجه و احترامند. در مورد محور چهارم که شبکه قدرت است:

امام علیه السلام عثمان را از راه یافتن مروان در شبکه قدرت برحذر می‌دارند و با اشاره به سن بالای او که باید حاکی از تجربیات فراوان باشد به او نسبت به تحت تاثیر قرار گرفتن توسط کارگزارانی مثل مروان و عدم جلوگیری از ظلم‌ها و دخالت‌های او هشدار می‌دهند. در مورد بخش کارکردی محورهای زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

محور پنجم یعنی مرکز تصمیم‌گیری: که اگرچه در این خطبه اشاره صریحی نسبت به آن وجود نداشت ولی بحث از حاکم عادل و جائر در حقیقت بحث از حکومت‌های متعالی و متدانیست که در اولی هدایت و قانونگذاری از آن خدا و منصوبان اوست که مصداق حقیقی پیشوایان عادل می‌باشند. محور ششم یا بحث قلمرو دخالت دولت‌ها که از موضوعات بحث برانگیز در مباحث سیاسی است در این خطبه اشاره‌ی گویایی به توجه خاص و دخالت حاکم اسلامی در بخش فرهنگ و احیای سنت‌های دینی و از بین بردن بدعت‌های غیر دینی وجود داشت.

در مورد محور ۷ که همان جریان یا فرآیند قدرت است اعلام نارضایتی مردم از اقدامات حکومت عثمان هم بعنوان یک حق برای مردم و هم بحث جلب رضایتمندی آنها که از سرمایه‌های اجتماعی دولت‌ها بحساب می‌آید مورد توجه قرار گرفت.

محور ۸ در مورد بازخورد مردم را، می‌توان این خطبه را «خطبه بازخورد» نامید. زیرا از ابتدا تا انتهای آن پیرامون همین موضوع است. از همان جایی که مردم برای اعتراض به اقدامات ناعادلانه و تبعیض آمیز عثمان شکایت خود را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام می‌برند تا آنجا که اعتراضات آنها سبب می‌شود تا عثمان به مهلت خواهی برای جلب رضایت آنها وادار شود. ولی اینکه نحوه صحیح اعتراض مردم و بازخورد منفی آن‌ها در یک حکومت اسلامی چگونه باید باشد خود پژوهشی مستقل را می‌طلبد.



## منابع

- قرآن کریم، ۱۴۱۵ ق، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقران الکریم.
- نهج البلاغه، ۱۳۸۷ ش، سید رضی، ج ۴، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱. ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد، ۱۳۳۷ ق، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
  ۲. ابن اثیر، عز الدین، ۱۴۰۹ ق، الکامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت: دار صادر.
  ۳. ابن سعد، محمد، ۱۴۱۰ ق، طبقات کبری، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۴. ابن عبدالبر، یوسف، ۱۴۱۲ ق، الاستیعاب، ج ۳، بیروت: دارالجیل.
  ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۴ ق، لسان العرب، ج ۲۴، بیروت: دار صادر.
  ۶. آشتیانی، محمد، ۱۳۸۴ ش، ساختار و کارکرد حکومت از دیدگاه نهج البلاغه، چاپ اول، قم: زهیر.
  ۷. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، انساب الاشراف، ج ۵، بیروت: دارالفکر.
  ۸. بیهقی، محمد بن حسین، ۱۳۹۴ ش، تاریخ بیهقی، ج ۲، تهران: مهتاب.
  ۹. توکلی، عبدالله، ۱۳۸۳ ش، اصول و مبانی مدیریت، قم: زمزم هدایت.
  ۱۰. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۶ ش، شرح و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
  ۱۱. جهان بزرگی، احمد، ۱۳۸۱ ش، آزادی سیاسی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
  ۱۲. دینوری، ابن قتیبه، ۱۴۱۰ ق، الامامه والسیاسه، ج ۲، بیروت: دارالریاض.
  ۱۳. رنی، آستین، ۱۳۷۴ ش، حکومت: آشنایی با علم سیاست، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  ۱۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ طبری، ج ۳، بیروت: بی جا.
  ۱۵. عسقلانی، ابن حجر، ۱۴۱۵ ق، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۶، بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۱۶. فیرحی، داوود، ۱۳۹۱ ش، نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ ۱، قم: بوستان کتاب.
  ۱۷. لک زابی، نجف، ۱۳۹۴ ش، اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، چاپ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اسلامی.
۱۸. محمدی مقدم، قربانعلی، ۱۳۷۵ ش، شرح نهج البلاغه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
  ۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۸ ش، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
  ۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴ ش، امامت و رهبری، تهران: صدرا.
  ۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۵ ش، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، تهران: صدرا.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷ ش، *پیام امام امیرالمؤمنین علیّه*، ج ۳ و ۶، قم: دارالکتب الاسلامیه

#### مقالات

۲۳. محمدی، عبدالعلی ۱۳۸۷ ش، نقد پذیری حکومت و انتقادورزی جامعه در نگرش دینی، *فصلنامه علوم*

*سیاسی*، شماره ۴۲، صص ۱۴۳-۱۷۲

۲۴. ملکشاهی، زهرا؛ کریمی، بیرانوند؛ مسعود، اجیه، محمدتقی ۱۳۹۳ ش، بازکاوی سیاست علوی، روایتی

نظام مند از آراء سیاسی امام علی علیّه، *پژوهشنامه حکمت اهل بیت علیّه*، شماره ۲، صص ۳۷-۵۴.

۲۵. نبی لو، عظیم آل ۱۳۹۹ ش، شبکه قدرت در نظام سیاسی مردم سالار دینی در نهج البلاغه، *فصلنامه*

*تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۵۰، صص ۷۹-۱۰۰.

